

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۳ جولای ۲۰۱۴

از اوکراین تا فلسطین، از عراق تا افغانستان...!

مقدمه

جهان به خصوص از یازده سپتمبر به بعد، برای مردم جهان به طور بی سابقه ای ناامن شده است. بوش پدر و پسر و متحدان جهانی و منطقه ئی شان، در حمله به افغانستان و طالبان، و حمله عراق و حکومت بعث، وعده بر قراری «نظم نوین جهانی» و «مبارزه با تروریسم» و بر قراری «دموکراسی» و غیره را به افکار عمومی می دادند. در حالی که خودشان مرتکب بزرگ ترین ترورها شدند و با هواپیما و توپ و تانک و سلاح های هوشمند و بمب های دو هزار تنی، افغانستان و عراق و لیبیا را ویران کردند و با سرنگونی حکومت های مستبد ملاعمر و صدام و قذافی، درندگانی وحشی تر از آن ها را به قدرت رساندند. گروه های تروریستی مانند داعش را مسلح و وارد جنگ داخلی سوریه کردند. گروهی تروریستی که اکنون با تهدید کمونیست ها، آته نیست ها، زنان، کارگران، کودکان، مسیحی ها و با سر بریدن و سنگسار و ترور هم در سوریه و هم در عراق به جان مردم این کشورها انداخته اند. به این ترتیب، دفاع حکومت های جهان از حقوق بشر، دموکراسی و امنیت، مبارزه با تروریسم، اسم رمز راه انداختن جنگ و کشورگشائی، فضای رعب و وحشت و ترور و به قدرت رساندن گروه های اسلامی و ناسیونالیستی و فاشیستی در همه کشورهای است که مردم از حکومت ها ناراضی اند و برای سرنگونی آن ها به پا خاسته اند. از اوکراین تا مصر، از سوریه تا لیبیا، از عراق تا افغانستان، از پاکستان تا تونس و...، به جولانگاه تروریست های دولتی و غیردولتی تبدیل کرده اند.

همه این اقدامات غیرانسانی و وحشیانه، به خاطر یک پست و مقام و ثروت و کسب سود بیش تر برای اقلیتی سرمایه دار و حکومت ها با حمایت ارتش و پولیس و نیروهای امنیتی آن ها صورت می گیرد. به عبارت دیگر، اکنون دیگر اکثریت مردم مزد بگیر و فقیر جهان، تنها مورد تبعیض و ستم و استثمار قرار نمی گیرند، بلکه گروه گروه قربانی و دم توپ حکومت ها و گروه های تروریستی و جنگ طلب و خشونت طلب نیز می شوند. در جهان امروز، دیگر هیچ شهروندی در خانه، خیابان، محل کار، هتل، مراکز توریستی، اتوبوس، قطار، کشتی، هواپیما و... امنیت ندارد. واقعاً چه کسی و کسانی مسؤول این جهان ناامن، بیکاری و گرسنگی های میلیارد ها

انسان، نفرت و انتقام‌گیری، سرکوب و جنگ، ترس و ترور هستند؟ پس کجا رفت آن وعده هائی که پس از فروپاشی دیوار برلین و شوروی و پایان تاریخ و عصر طلایی دموکراسی و امنیت و رفاه می دادند؟ سیستم سرمایه داری از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تا سازمان ملل و ناتو، از حاکمیت های امریکا تا چین، از روسیه تا یونان، از اتحادیه اروپا تا افریقای سیاه، از لیبیا تا پاکستان، از ایران تا مصر، از هند تا برزیل، از سوریه تا اوکراین، از افغانستان تا لبنان، از فلسطین تا عراق و به طور کلی همه نهادهای سرمایه داری و حکومت های جهان، هر کدام در جایگاه و توان و موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی خود، در ناامن کردن کره زمین، نابودی محیط زیست، راه انداختن جنگ و تروریسم و هم چنین تحمیل فقر و گرسنگی و بیکاری به اکثریت شهروندان جهان سهیم و دخیل هستند.

اوکراین

یک هواپیمای مسافری مالیزیا که از آمستردام عازم کوالالامپور بود در آسمان منطقه نآرام شرق اوکراین سقوط کرده است. به گزارش دویچه وله، بوئینگ ۷۷۷ خطوط هوایی مالیزیا از نوع MH ۱۷ مقارن ظهر روز پنجشنبه ۱۷ جولای ۲۰۱۴ - ۲۶ تیر [سرطان] ۱۳۹۳، در حالی که از آمستردام عازم کوالالامپور بود، در آسمان اوکراین در نزدیکی مرزهای این کشور با روسیه، از رادارها ناپدید شد. این هواپیما ۲۸۰ مسافر و ۱۵ خدمه داشت که همگی کشته شدند.

دولت مالیزیا، احتمال سقوط هواپیما بر اثر اصابت موشک را رد می کند، اما پترو پوروشنکو، رئیس جمهور اوکراین، احتمال هدف قرار گرفتن هواپیما از سوی «تجزیه طلبان» طرفدار روسیه را رد نمی کند. پوروشنکو در عین حال، هرگونه احتمال دخالت اوکراین در سقوط هواپیمای مالیزیا را رد می کند، اما می گوید این احتمال وجود دارد که هواپیما توسط جدائی طلبان اوکراینی هدف قرار گرفته باشد.

در روزهای گذشته دست کم دو هواپیمای نظامی اوکراین در شرق این کشور و در منطقه زیر کنترل مخالفان حکومت مرکزی هدف قرار گرفته و سقوط کرده است. در یک مورد اوکراین به طور مستقیم روسیه را متهم کرد که یکی از این هواپیماها را هدف قرار داده است.

الکساندر بورودای نخست وزیر دونتسک، دست داشتن مخالفان حکومت اوکراین در سقوط هواپیمای مالیزیا را رد کرده است. او گفته که مخالفان دولت کیف چنان سلاح های ضدهوایی در اختیار ندارند تا بتوانند هواپیمائی در ارتفاع ده هزار متری را هدف قرار دهند.

تا عصر جمعه، بقایای اجساد ۱۸۱ نفر از سرنشینان پرواز MH ۱۷ توسط امدادگران یافته شد. وزارت کشور اوکراین اعلام کرد که اجساد قربانیان به خارکف منتقل شده است. بقایای قربانیانی نیز که قابل شناسائی نیستند، برای تعیین هویت به آزمایشگاهی ویژه انتقال یافت.

در همین روز، ۲۰ کارشناس «سازمان امنیت و همکاری اروپا» وارد منطقه شدند تا تحقیقات خود روی لاشه هواپیما و شواهد موجود آغاز کنند. روزنامه‌های گاردین در بریتانیا و فولکس کرانت در هالند، نوشته اند که جدائی طلبان شرق اوکراین مانع کار آن ها شده اند.

کلیه کشورهائی که شهروندان شان سرنشین پرواز MH ۱۷ بوده اند، تیمی برای تحقیق در این باره تشکیل داده اند. پوتین هم خواستار پیگیری بین المللی در این زمینه شه است.

از میان ۲۸۹ مسافر هواپیما، ۸۰ نفرشان کودک بوده اند. ۱۸۹ نفر از سرنشینان هالندی و باقی شهروندان استرالیا، بریتانیا، آلمان، مالیزیا، اندونزی، بلجیم، فیلیپین، کانادا و نیوزلند بودند. ملیت سایر مسافران هنوز روشن نیست.

به گزارش رویترز، حدود صد نفر از مسافران هواپیمائی که در اوکراین سقوط کرده، از محققان و متخصصین بیماری ایدز بوده و برای شرکت در یک کنفرانس عازم ملبورن بودند. از جمله این قربانیان پروفیسور معروف هالندی جوزف لانگه و هم چنین رئیس قبلی «انجمن بین المللی ایدز» می باشند.

مقامات امریکائی هم نظر با مقامات اوکراین، در روزهای اخیر گفته اند تردیدی ندارند که این هواپیما توسط «جدائی طلبان» هوادار روسیه که علیه دولت مرکزی اوکراین می جنگند ساقط شده است. این در حالی است که وزارت دفاع روسیه اتهامات یاد شده را مورد تردید قرار داده است.

یکی از فرماندهان نیروی هوائی روسیه، دوشنبه ۲۱ جولای در جلسه خبری در مسکو گفت: «یک هواپیمای جنگنده دولت اوکراین در فاصله حدود سه تا پنج کیلومتری هواپیمای مالیزیائی پرواز می کرده است.»

یک فرمانده دیگر نیروی هوائی روسیه نیز تکذیب کرد که روسیه موشک ضد هوائی «باک» در اختیار جدائی طلبان اوکراینی قرار داده است.

او هم چنین گفت: «آمریکا اگر تصاویر ماهواره ای در اختیار دارد که نشانگر شلیک موشک به هواپیمای مالیزیائی است باید آن ها را منتشر کند.»

حال چه کسی واقعیت را می گوید و چه کسی آن را پرده پوشی می کند برای افکار عمومی جهان روشن نیست. اما آن چه که روشن است این است که حکومت اوکراین و یا حکومت روسیه به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در سقوط این هواپیما دست دارند.

شایان ذکر است که چند ماه پیش نیز یک هواپیمای غلو پیکر مالیزیا ناپدید شد و تاکنون هیچ خبری از سقوط و عدم سقوط آن منتشر نشده است. از نظر کارشناسان امریکائی، بوئینگ ۷۷۷-۲۰۰ از مالیزیا صرفاً با یک سلاح بسیار پیشرفته مورد اصابت قرار گرفته است. وال استریت جورنال صبح جمعه ۱۸ جولای نوشته بود که موشک های قابل حمل، توان آن را ندارند که هواپیمائی را در ارتفاع ده کیلومتری زمین هدف بگیرند.

ماجرای پرواز شماره «ام اچ ۳۷۰» خطوط هواپیمائی مالیزیا به یک معمای قرن بیست و یکم تبدیل شده است. هواپیما بوئینگ ۷۷۷، هشتم مارچ ۲۰۱۴، ساعت دوازده و بیست و یک دقیقه به وقت مالیزیا از فرودگاه کوالالامپور به پرواز در آمده و قرار بود ساعت هیجده و سی دقیقه بامداد روز بعد در فرودگاه پکن به زمین بنشیند. اما حدود یک ساعت بعد از پرواز ناگهان ارتباطش را با تیم کنترل پرواز از دست داده و از صفحه رادار ناپدید می شود.

مگر ماهواره ها همه چیز را روی زمین نمی بینند؟ پس چرا تصویری از این هواپیما در دست نیست؟ در حالی که ماهواره ها هر روزه عکس هائی از کل زمین می گیرند. ده ماهواره امریکائی، روسی و اروپائی، توان گرفتن چنین عکس هائی را دارند. هر کدام از آن ها تقریباً هر یک و نیم ساعت، یک بار به دور کره زمین می چرخند، و در حین عبور، از نواری به پهنای چند صد کیلومتر عکس می گیرند.

هم چنین اداره ملی شناسائی ایالات متحده (NRO)، شبکه گسترده ای از ماهواره های جاسوسی دارد که زمین را پوشش می دهند و ممکن است عکس هائی از هواپیمای سقوط کرده گرفته باشند.

به علاوه کارشناسان معتقدند بوئینگ ۷۷۷ به قدری بزرگ است که نمی توان مدعی شد در گوشه ای ناپدید شده باشد بنابراین، با توجه به این که ردی از این هواپیما ۱۰۰ مایل دورتر از مسیر پروازی اش گرفته شده اما هیچ اثری از این هواپیما پیدا نشده و در نتیجه به یک معمای پیچیده قرن تبدیل شده است. چرا در دنیای شبکه ئی قرن ۲۱، پیدا کردن یک هواپیما به این بزرگی، این قدر سخت است؟ چطور ممکن است که چیزی به بزرگی هواپیمائی از نوع بوئینگ «۷۷۷ - ۲۰۰» با ۲۳۹ سرنشین گم شود؟

حمله اسرائیل به غزه

اسرائیل از روز ۸ جولای ۲۰۱۴، حملات همه جانبه ای را علیه نوار غزه آغاز کرده است. در حملات هوائی و زمینی و دریای نیروهای مسلح اسرائیل، صدها فلسطینی جان خود را از دست داده اند، هزاران نفر زخمی شده اند و صدها هزار نفر نیز آواره شده اند. سازمان ملل متحد، تأیید کرده است که بیش تر کشته شدگان حملات اخیر در غزه، غیرنظامی بوده اند.

ارتش اسرائیل روز پنجشنبه گذشته با فراخواندن ۱۸ هزار نیروی ذخیره دیگر، جمع سربازان فراخوانده شده طی ۱۰ روز گذشته را به ۶۵ هزار نفر رساند.

وزارت دفاع اسرائیل در بیانیه ای گفت: «در پی ده روز حملات حماس از زمین، هوا و دریا، و پس از رد مکرر پیشنهادها برای کاستن از وخامت اوضاع توسط این گروه، وزارت دفاع یک عملیات زمینی را در نوار غزه شروع کرده است.»

مناطق از نوار غزه از شنبه شب ۱۹ جولای ۲۰۱۴، هدف شدیدترین گلوله باران توپخانه ای و بمباران هوائی ارتش اسرائیل از آغاز حملات در حدود دو هفته پیش قرار گرفته اند.

به گزارش خبرنگار اعزامی بی بی سی فارسی به منطقه، محله شجاعیه در شرق غزه در تمام طول شنبه شب و صبح یکشنبه، ۲۰ جولای زیر سنگین ترین حملات توپخانه ئی اسرائیل بوده و دست کم ۴۰ نفر در این حملات کشته و صدها نفر زخمی شده اند.

تصاویری که از این منطقه منتشر شده اجساد را نشان می دهد که به دلیل محدودیت دسترسی امدادگران و آمبولانس ها در خیابان رها شده اند. اجساد زنان و کودکان هم در این تصاویر دیده می شود.

یولاندا کل، خبرنگار اعزامی بی بی سی به غزه می گوید ساکنان شجاعیه از شنبه شب و با تشدید حملات اسرائیل، وحشت زده و هراسان در حال فرار از خانه و محله شان هستند.

مسئولان بهداشتی در غزه می گویند که شمار کشته شدگان فلسطینی در نوار غزه از مرز ۵۱۸ نفر فراتر رفت که دست کم ۱۰۰ نفر از آن ها کودک هستند.

هفت اسرائیلی از جمله دو غیرنظامی هم در حملات راکتی از مناطق فلسطینی کشته شده اند. گردان های عزالدین قسام صبح یکشنبه ۲۰ جولای، اعلام کردند که ۱۴ سرباز اسرائیلی را در یک کمین در محله التفاح در شرق شهر غزه کشته اند.

خالد مشعل، رهبر حماس، ادعا کرده که حمله زمینی اسرائیل به غزه با شکست روبه رو خواهد شد. فوزی برهوم، از سخن گویان حماس روز پنج شنبه گفت: «آغاز حمله زمینی به غزه یک اقدام نسنجیده بوده و ما آماده رویارویی با آن هستیم، (این بار) بیش تر از یک شالیط خواهد بود.»

به این ترتیب، غزه بار دیگر با حملات وحشیانه نیروی هوایی اسرائیل روبه رو شده است. مردم زجر کشیده این منطقه، هم از حملات اسرائیل و هم سرکوب های حماس در رنجند. قبل از این نیز، نیروهای اسرائیلی در منطقه اشغالی کرانه باختری، به خانه های فلسطینیان یورش برده و در برخی موارد خانه ها را با خاک یک سان کرده اند، جوانان ناپدید می شوند و فعالین سیاسی به طور بی سابقه ای در زندان به سر می برند.

حاکمیت اسرائیل با جنگ و سرکوب و ترور تأسیس شده است. در سال ۱۹۴۸، سید فلسطینی در روستای دیر یاسین توسط ارگون، یکی از گروه های شبه نظامی تروریست اسرائیلی، قتل عام شدند.

حکومت اسرائیل، یک حکومت نژاد پرست و نظامی است. این حکومت، متکی به یک هویت دینی خاص است. بسیاری از رهبران سیاسی ارشد اسرائیلی، شرکت کنندگان مستقیم در عملیات تروریستی علیه فلسطینیان بوده اند. مناخیم بگین، نخست وزیر سال های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳، یکی از اعضای رهبری گروه تروریستی ارگون بوده است. او و وزیر دفاعش آرئیل شارون قبل از سال ۱۹۸۲، مسئولیت حمله به لبنان و قتل عام در اردوگاه های پناهندگان صبرا و شتیلا را به عهده داشتند. شارون در سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ نخست وزیر بود و امروز هم این سیاست جنگ طلبانه به وسیله رهبران دیگر ادامه دارد.

جان پیلجر، روزنامه نگار، این موقعیت را «پروژه نسل کشی خزنده» توصیف کرد. هدف این نسل کشی بر پایه های وجود اسرائیل ساخته شده و در حال حاضر قسمتی از ژن (دی ان ای) اسرائیل است.

آرنون سوfer، رئیس دانشکده ملی دفاع نظامی، در مصاحبه ای با روزنامه اورشلیم پست در سال ۲۰۰۴، در مورد محاصره غزه گفت: «هنگامی که ۲/۵ میلیون نفر در جای بسته ای شبیه غزه زندگی می کنند، آن جا به طرف یک فاجعه انسانی خواهد رفت، این افراد به حیوانات بزرگ تری از امروز تبدیل می شوند... این به طرف جنگ وحشتناکی خواهد رفت. خوب اگر ما می خواهیم زنده بمانیم، باید بکشیم و بکشیم و بکشیم، تمام روز، هر روز... اگر ما آدم نکشیم خودمان از بین می رویم.»

در اوج بحران و حمله همه جانبه اسرائیل به غزه، سازمان های سوسیالیستی و آزادی خواه اسرائیلی، علیه تصمیمات ارتش و دولت اسرائیل دست به اعتراض و تظاهرات زدند.

پنجشنبه شب بیست و ششم تیر ماه، در حالی که ارتش اسرائیل از آغاز عملیات زمینی در شمال غزه خبر داد، صدها نفر از نیروهای چپ اسرائیل به میدان های مرکزی تل آویو و بیت المقدس رفتند تا اعتراض خود را به این تصمیم بیان کنند.

این گردهمایی ها، چندمین تجمع اعتراضی مخالفان جنگ در اسرائیل از آغاز عملیاتی است که ارتش این کشور نام «صخره استوار» را برای آن انتخاب کرده است.

بر پایه گزارش رسانه های اسرائیل، بسیاری از اسرائیلی های شرکت کننده در تظاهرات پنجشنبه شب، سربازان ذخیره شرکت کننده در بحران های جنگی گذشته بوده اند.

روزنامه هآرتص اسرائیلی، گزارش داد که برخی از این سربازان دوره احتیاط، در غزه خدمت کرده بودند ولی حال از احتمال بازگشت نیروهای پیاده نظام اسرائیل به غزه، ۹ سال پس از ترک کامل این باریکه از سوی اسرائیل، نگران شده اند.

یهودا شائول، یکی از سخنگویان این تظاهرکنندگان به هآرتص گفت: «در طول سال ها، ارتش اسرائیل، پی در پی، به عملیات نظامی در نوار غزه دست زده ولی این مشکل (حملات راکتی به شهرهای اسرائیلی) حل نشده است؛ از این رو، دست یابی به یک راهکار سیاسی بر اعمال زور برتری دارد.»

اما تظاهرات نیروهای آزادی خواه و سوسیالیست اسرائیلی و مخالفان جنگ با زدو خورد از سوی راست گرایان روبه رو شد. به نوشته هآرتص، «ایتامار بن گبیر» و «میخائیل بن آری»، نمایندگان پیشین پارلمان اسرائیل، «کنیت»، با رسیدن به محل تجمع چپ گرایان، اعتراض کردند که «چرا در اوج بحران جنگی و حملات راکتی گسترده از غزه به اسرائیل، علیه ارتش سخن گفته می شود؟»

جنگ طلبان و راست گرایان که پرچم اسرائیل را در دست داشتند، بسیار زود به صحنه جدی کشمکش فیزیکی و لفظی میان آن ها با مخالفان جنگ مبدل شد.

اکنون چند شب پی در پی است که تجمع اعتراضی نیروهای چپ در میدان روبهروی تئاتر «هیبما» در مرکز تل آویو، با خشم راست گرایان حامی جنگ روبه رو شده است.

به گزارش هآرتص، راست گرایان علیه رستوران های اطراف بلوار «روچیلد» در تل آویو نیز که کارگران عرب بسیاری در آن کار می کنند، تظاهرات کردند و کار حتی به جدل فیزیکی نیز کشیده شد.

تل آویو به شهر بزرگ محل زندگی اکثریت لائیک ها و چپ گرایان اسرائیل شهرت دارد، بر این اساس به گزارش رسانه های اسرائیل، شماری از شهروندان ساکن بیت المقدس، نیز پنجشنبه شب، پس از اعلام خبر ورود نیروهای زمینی ارتش به کارزار غزه، در صدد ابراز مخالفت با آن برآمدند.

رسانه های اسرائیل می گویند شیمون پرز، رئیس جمهوری ۹۳ ساله اسرائیل نیز که در روزهای آینده از این مقام کنار می رود، با عملیات زمینی ارتش در غزه مخالف بود. اما او دیگر قدرت چندانی در صحنه سیاست ندارد.

اسرائیل، به طور مداوم برای اشغال بیش تر زمین های فلسطینیان به حملات آشکار دست زده و در سال ۱۹۶۷ برای کنترل بر نوار غزه، شبه جزیره سینا، و بلندی های جولان به جنگ با مصر، اردن و سوریه رفت.

مجلس اسرائیل قانونی را در سال ۲۰۱۲ تصویب کرد که می گوید فلسطینی هائی که خانه شان به وسیله اسرائیلی ها ویران می شود، باید هزینه ویرانی به وسیله بولدوزر را هم بپردازند.

در ماه جون سال جاری میلادی، شرکت ساخت و ساز و وزارت مسکن اسرائیل مناقصه ای برای حدود ۱۵۰۰ واحد مسکونی در کرانه باختری صادر کرد که ۵۶۰ دستگاه از این خانه ها در شرق اورشلیم، پایتخت سمبلیک فلسطین بود.

اسرائیل در بیش تر مناطق فلسطین «ایست بازرسی نظامی» بر پا کرده و این پست های بازرسی روزانه زندگی فلسطینیان را کنترل می کند. بنابراین، هر فلسطینی برای رفت و برگشت به کار و مدرسه و محل کارشان با تحقیر روزانه نیروهای اسرائیلی روبه رو هستند.

حاکمیت امریکا، از اسرائیل به عنوان پایگاهی در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه حفاظت می کند. اسرائیل بزرگ ترین دریافت کننده کمک های اقتصادی و نظامی امریکاست. هر سال امریکا ۳ میلیارد دلار کمک به اسرائیل ارائه می کند. این سیاست هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه امریکا است.

اسرائیل، هم چنین متحد بسیاری از کشورهای غربی است.

در واقع تروریسم اسلامی حماس و تروریسم دولتی اسرائیل، تاکنون همواره از مردم دو کشور قربانی گرفته اند و هنوز هم می گیرند. بی تردید تا روزی که حکومت اسرائیل همه نیروهای خود را از سرزمین های فلسطینی خارج نکند و حق تعیین سرنوشت مردم این کشور را به رسمیت نشناسد متأسفانه این درگیری ها و جنگ ها ادامه خواهد یافت. حق مردم فلسطین است که سرنوشت شان را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند و بی تردید مردم اسرائیل نیز همین حق را دارند.

عراق

سازمان ملل متحد روز جمعه اعلام کرد در سال جاری میلادی، دست کم ۵۵۷۶ غیرنظامی عراقی کشته شده اند. گزارش سازمان ملل می گوید از ماه جنوری نیز که شورشیان سنی اسلام گرا شهر فلوجه در استان غربی انبار را تصرف کردند دست کم ۱۱۶۶۵ نفر را مجروح کرده اند.

سازمان ملل اوایل ماه جاری میلادی اعلام کرد از میان ۲۴۰۰ نفری که در ماه جون در عراق کشته شدند، ۱۵۳۱ نفر غیرنظامی بودند.

سازمان ملل متحد می گوید شورشیان سنی غیرنظامیان را اعدام کرده اند و علیه زنان و دختران مرتکب خشونت جنسی شده اند، آنان هم چنین دست به آدم ربائی و اقدام به ترور سیاست مداران و رهبران مذهبی کرده اند. کودکان از جمله قربانیان این گروه بوده اند.

گزارش سازمان ملل متحد، هم چنین می گوید نیروهای دولتی و وابسته به دولت به اعدام های فراقانونی زندانیان و بازداشت شدگان دست زدند. این گزارش اقدام نیروهای دولتی را جنایت جنگی احتمالی خوانده است.

سازمان ملل می گوید وخیم شدن شرایط امنیتی در عراق نظارت بر حوادث و تأیید آنها را محدود کرده است. از زمان آغاز خشونت ها در ماه گذشته ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در عراق جابه جا شده اند.

ماه گذشته میلادی، گروه موسوم به «داعش» (دولت اسلامی عراق و شام) که اخیراً نام خود را به «دولت اسلامی» تغییر داده، بخش های وسیعی از شمال عراق از جمله موصل، دومین شهر بزرگ عراق را تصرف کردند.

داعش که هم اکنون شهر موصل عراق را در کنترل دارد، بعد از ظهر جمعه ۱۸-۷-۲۰۱۴ با انتشار بیانیه ای از مسیحیان این شهر خواست تا برای نجات خود یا اسلام بیاورند و یا جزیه بپردازند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پیام داعش به صورت بیانیه ای پس از پایان نماز روز جمعه گذشته، توسط اعضای این گروه میان مردم موصل و حومه آن منتشر شده است.

داعش فقط ۲۴ ساعت به مسیحیان موصل مهلت داده تا از میان دو گزینه پرداخت جزیه یا مسلمان شدن، یکی را انتخاب کنند. این گروه تروریستی اسلامی، هم چنین به مسیحیان هشدار داده که اگر از پرداخت جزیه یا اسلام آوردن سر باز زنند کشته خواهند شد.

بنا بر این گزارش به نقل از اسقف مسیحیان کلدانی، پس از انتشار بیانیه داعش که از طریق بلندگوهای مساجد موصل خوانده شد، تعداد زیادی از مسیحیان این شهر خانه های خود را رها کرده و به مناطق دیگری پناه بردند.

لوتیس ساکو یکی از رهبران مذهبی مسیحیان کلدانی در تماس با خبرگزاری فرانسه گفته است که برای اولین بار در تاریخ عراق شهر موصل به این شکل از مسیحیان خالی می شود. او افزود: «بیش از ۳۰ کلیسا در موصل وجود دارد که تاریخ آن ها به ۱۵۰۰ سال پیش بر می گردد».

گروه دولت اسلامی که اعلام برپائی خلافت اسلامی کرده تلاش می کند مناطق تحت تصرف خود در شمال و شرق سوریه را به مناطق تحت تصرف خود در شمال و غرب عراق، وصل کند.

سوریه

داعش، در تلاش است کردستان سوریه را تسخیر کند. نیروهای داعش شهر کوبانی (عین العرب) که سومین شهر بزرگ کرد نشین سوریه است را، محاصره کرده اند.

رامی عبدالرحمن مدیر دیده بان حقوق بشر سوریه می گوید که این یک نبرد سرنوشت ساز برای کردها است چرا که در صورت تصرف عین العرب (کوبانی) توسط نیروهای دولت اسلامی، این گروه با سرعت بیش تری به سمت شرق و دیگر مناطق کرد هم چون حسکه حرکت خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع مختلف از جمله دیده بان حقوق بشر سوریه، دست کم ۸۰۰ شبه نظامی کرد برای کمک در دور راندن نیروهای داعش از محیط شهر کوبانی، به سوریه رفته اند. بنا بر این گزارش، شبه نظامیان کرد به فراخوان حزب دموکرات کارگران ترکیه موسوم به پ.ک.ک پاسخ گفتند. این حزب که فعالیتش در ترکیه ممنوع است، شاخه هائی در سوریه و ایران دارد.

ساکنان شهر کوبانی می گویند که مردم این شهر از شبه نظامیان کرد، با هلهله، رقص و پایکوبی استقبال کردند. شهر کوبانی سومین شهر بزرگ کرد در سوریه پس از قامشلی و عفرین است. گزارش خبرگزاری فرانسه افزوده که شبه نظامیان کرد خود را برای حمله احتمالی نیروهای داعش به شهر آماده می کنند. تصرف کوبانی یا همان عین العرب توسط گروه داعش باعث می شود این گروه مناطق تحت تصرف خود در مرزهای سوریه و ترکیه را، به یکدیگر متصل کند. تاکنون صدها تن از کردهای ترکیه، برای کمک به کردهای سوریه در مقابل داعش، به این منطقه رفته اند. در حال حاضر جدا از این که چه انتقادی می توان به مسؤولین و رهبران کردستان سوریه داشت اما در دفاع از آن ها که به نفع آزادیخواهی و سکولاریسم در منطقه است نباید لحظه ای درنگ کرد!

«دولت اسلامی» (داعش) حملات خود را به شرق سوریه ادامه می دهد. گروه ناظران حقوق بشر سوریه که مرکز آن در بریتانیاست اعلام کرده که تاکنون یک سوم خاک این کشور زیر کنترل تروریست های جهادی قرار گرفته است.

به گفته گروه ناظران حقوق بشر سوریه، چند روز پیش تروریست های «دولت اسلامی» موفق شدند شهر ستراتیژیک دیرالزور را در سوریه تصرف کنند.

نیروهای این گروه به این ترتیب بیش تر مناطق استانی به همین نام «دیرالزور» را نیز تصرف کرده اند. تنها بخش های کوچکی و از جمله فرودگاه نظامی دیرالزور هنوز در دست نیروهای ارتش سوریه قرار دارد. «دولت اسلامی» در عراق نیز بخش های وسیعی را زیر کنترل خود دارد.

داعشی ها روز جمعه گذشته، موفق شدند منطقه گازی «شار» را در استان حمص به تصرف خود درآورند. آن ها در جریان حمله برای تسخیر این منطقه گازی ۲۷۰ نفر سرباز، نگهبان و کارکنان این منطقه گازی را کشتند.

گروه سوفان Soufan Group که یک مؤسسه خدمات اطلاعات امنیتی و ستراتیژیک مستقر در نیویورک است در تازه ترین گزارش خود اعلام کرد: «در جنگ سه ساله در سوریه تاکنون بیش از ۱۲ هزار ستیزه جوی خارجی از ۸۱ کشور از جمله ۲۵۰۰ نفر از کشورهای غربی مشارکت کرده اند.»

طبق این گزارش، جنگ جویان خارجی از کشورهای مختلف اتحادیه اروپا، امریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند به جنگ در سوریه پیوسته اند.

۷۰۰ ستیزه جو از فرانسه، ۴۰۰ نفر از انگلیس، ۱۰۰ نفر از دنمارک و ۲۵۰۰ نفر نیز از عربستان سعودی در این مدت برای جنگ به سوریه رفته اند. این ستیزه جویان به گروه های تندرو و افراطی تکفیری مانند گروه تروریستی داعش پیوسته اند. تعداد ستیزه جویانی که برای جنگ به سوریه رفته اند نسبت به سال ۲۰۱۱ میلادی تقریباً بدون تغییر بوده است. تعداد قابل توجهی ستیزه جو نیز از قفقاز شمالی روسیه برای جنگ به سوریه عزیمت کرده اند،

ولی اکثر این افراد از کشورهای عربی برای جنگ به سوریه رفته اند. اکثر این ستیزه جویان جوان و مرد بوده و البته تعداد قابل توجهی زن نیز در بین آن ها دیده می شود.

در این گزارش آمده است: جامعه جهانی به شدت نگران این مسأله است که این ستیزه جویان پس از پایان جنگ سوریه چه خواهند کرد.

انتشار آمار تکان دهنده از جانب غربی ها از جمله مؤسسه مشهور سوفان در باره شمار قابل توجه ستیزه جویانی که مشغول جنگ با دولت قانونی سوریه هستند و به ویژه هشدارهایی که در باره بازگشت آن ها به کشورهای متبوع خود داده می شود، نشان دهنده این مسأله است که همان گونه که دولت سوریه نیز بارها اعلام کرده، این مردم سوریه نیستند که با دولت در جنگ هستند بلکه این گروه های تروریستی افراطی هستند که با پشتیبانی همه جانبه غربی ها و متحدان عرب شان، کماکان مشغول آتش افروزی در سوریه هستند.

در این راستا به تازگی اعلام شد که بارک اوباما رئیس جمهور امریکا از کنگره این کشور درخواست ۵۰۰ میلیون دلار برای کمک به گروه های مخالف در سوریه کرده است. هر چند که امریکائی ها ادعا می کنند که این کمک ها در اختیار گروه های همسو با غرب در سوریه گذاشته می شود، ولی واقعیت این است که کمک ها و محموله های تسلیحاتی که غربی ها به سوریه ارسال می کنند نهایتاً در اختیار گروه های تروریستی تکفیری قرار می گیرد. گفتنی است غرب به ویژه امریکا و متحد ستراتیژیک آن یعنی انگلیس با بی ثمر ماندن مذاکرات ژنیو-۲، تلاش می کنند تا بار دیگر ستراتیژی سنتی خود یعنی افزایش فشار بر دولت سوریه از یک طرف و تقویت مخالفان از طریق اعطای انواع کمک های مالی و تسلیحاتی را دنبال کنند.

این مسأله به ویژه پس از برگزاری نمایش انتخابات ریاست جمهوری سوریه در سال ۲۰۱۴ و انتخاب مجدد بشار اسد جانی با «۸۹» درصد آراء به ریاست جمهوری سوریه بار دیگر مورد توجه افکار عمومی جهان قرار گرفته است. در واقع پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه و گسترش دامنه آن، ستراتیژی امریکا و متحدین غربی و عربی اش در قبال سوریه از یک سو و حکومت بشار اسد و حامیانش چون حکومت اسلامی ایران؛ حزب الله لبنان، روسیه، چین و.. از سوی دیگر، هر چه بیش تر به قربانی شدن مردم این کشور منجر شده است.

از سوی دیگر، مسأله بازگشت این جنگ جویان از سوریه و پیامدهای بازگشت آن ها به ویژه به اصطلاح جهادی های غربی به کشورهای متبوع شان، قاعدتاً باید شبح ترسناکی را فرا روی مقامات اطلاعاتی و امنیتی غربی و جامعه قرار دهد. در حال حاضر در گروه های تروریستی تکفیری در سوریه صدها نفر از اتباع اروپائی وجود دارند. می توان پیش بینی کرد که با آموزش های ایدئولوژیک و نظامی که این افراد در سوریه دریافت می کنند، مسلماً در بازگشت به کشور های خود می توانند خطرات امنیتی زیادی را ایجاد کنند.

افغانستان

تروریسم دولتی و غیردولتی قربانیان بی شماری از مردم افغانستان گرفته است. افغانستان پس از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری روزهای پر تلفات و نا آرامی را پشت سر گذاشته است.

اخیراً در یک عملیات بمب گذاری در ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا، دست کم ۸۹ نفر کشته و ده ها نفر دیگر زخمی شدند. بازار ولسوالی و فروشگاه ها، مرکز خرید و مسجدی هم در این رویداد تخریب شدند.

روز پنجشنبه ۲۶ تیر ماه [سرطان]، گروهی از محافظان ویژه حامد کرزی برای آماده ساختن محل برای سفر او به ارگون می رفتند در مسیر ولایت پکتیکا در ولسوالی زرمات پکتیا با کمین گروه طالبان مواجه شدند که در اثر آن، چهار محافظ کرزی زخمی شدند.

سفر کرزی به ولایت پکتیکا از پیش اعلام نشده بود. یک خبرنگار محلی در ولایت پکتیا به بی‌بی‌سی گفت که اجازه شرکت در مراسم دیدار رئیس جمهوری افغانستان با خانواده های قربانیان این رویداد داده نشده است.

حمله به فرودگاه کابل روز پنجشنبه، ۲۶ تیر [سرطان]، ساعت حدود چهار و نیم صبح به وقت محلی با انفجار یک خودرو بمب گذاری شده در ساحه قصبه مربوط به حوزه پانزدهم پولیس آغاز شد و پس از حدود پنج ساعت درگیری با کشته شدن آخرین فرد مهاجم خاتمه یافت.

صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله به بی‌بی‌سی گفت که در پایان درگیری، شش مهاجم که به زبان اردو حرف می زدند کشته شدند. طالبان مسؤولیت این حمله را بر عهده گرفته است.

این نخستین حمله به فرودگاه کابل نیست. روز گذشته نیز دو راکت به میدان هوایی کابل اصابت کرد و هفته گذشته نیز فرودگاه کابل هدف حمله راکتی قرار گرفت.

فرودگاه بین‌المللی کابل از بزرگ ترین فرودگاه های افغانستان است که پیش تر نیز، بارها هدف شلیک راکت و حملات مسلحانه قرار گرفته است. این حملات باعث نگرانی در مورد امنیت پروازها و حفاظت از مهم ترین فرودگاه افغانستان شده است.

در نتیجه انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در یک بازار محلی در پکتیکا در جنوب شرق افغانستان ده ها نفر کشته شدند. ارتش افغانستان شمار کشته شدگان را ۸۹ نفر اعلام کرده اما دفتر ریاست جمهوری و فرمانده پولیس پکتیکا از کشته شدن حدود ۴۰ نفر خبر داده‌اند.

وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد که این انفجار صبح روز، سه شنبه ۲۴ تیران [سرطان]، حوالی ساعت ۹:۴۰ دقیقه به وقت محلی در ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا رخ داد.

ژنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع به بی‌بی‌سی گفت که بیش تر ۸۹ جسدی که از زیر آوار بیرون آورده شده‌اند، زنان و کودکان بوده‌اند و به گفته او ۴۲ نفر هم زخمی شده‌اند.

حمله امروز در این ولسوالی مرزی با منطقه وزیرستان پاکستان، برای نیروهای امنیتی افغان حادثه غیرمنتظره نبود. شبکه حقانی که در پاکستان مستقر است، در این منطقه فعالیت دارد.

خودروها و کامیون های بمب گذاری شده فراوانی از سوی شبکه حقانی برای هدف قرار دادن مقامات در این ولایت استفاده شده. اما در سال های اخیر بیش تر این طرح ها خنثی شده و به هدف نرسیده اند.

برای غیرنظامیان افغان، حمله روز سه شنبه یک بار دیگر نشان داد که چقدر زندگی روزانه در این کشور در معرض خطر قرار دارد. بازار ارگون که زمانی بازار پر از دکان ها و رستوران ها بود، اکنون به ویرانه تبدیل شده و غرق خون است.

شاهدان عینی به گزارشگر بی‌بی‌سی گفته اند که راننده موتر حامل مواد منفجره پیش از انفجار با سرعت زیاد در داخل شهر رانندگی کرده و با چند تن تصادف کرده بود.

به گفته این شاهدان پولیس این موتر را به دلیل نقض قوانین ترافیکی، مورد تعقیب قرار می دهد و راننده، موتر را در داخل یک بازار مزدحم که مشتریان زیادی برای خریداری عید رمضان آمده بودند، منفجر می کند.

شماری از مردم محل به بلال سروری، گزارشگر بی‌بی‌سی گفته اند که در گذشته مردم از کمبود نیروهای امنیتی در ارگون شکایت کرده بودند.

ولسوالی ارگون در ۵۰ کیلومتری مرکز ولایت پکتیکا یکی از ولسوالی های امن این ولایت به حساب می آید.

در زیر در ادامه با وقایع افغانستان، می توان به فجایع زیر اشاره کرد:

۱۸ سرطان: حمله انتحاری گروهی در ولایت قندهار منجر به کشته شدن ۲۲ انتحاری، ۵ سرباز پولیس و ۴ غیر نظامی شد. در این حادثه ۱۶ نفر زخمی شدند.

۱۷ سرطان: حمله انتحاری در ولایت پروان منجر به مرگ ۴ سرباز خارجی و ۱۲ غیر نظامی شد.

۱۳ تیر: انفجار بمب مغناطیسی در غرب کابل در تانکهای که برای نیروهای خارجی سوخت منتقل می کرد، منجر به آتش گرفتن حدود ۳۰۰ تانکر شد.

۱۱ سرطان: حمله انتحاری در شهر کابل باعث کشته شدن ۸ سرباز نیروی هوایی ارتش افغانستان و زخمی شدن ۱۶ نفر دیگر شد.

۳۱ خرداد[جوزا]: حمله انتحاری به جان معصوم استانکزی دبیر شورای عالی صلح افغانستان منجر به مرگ یک نفر شد.

۱۶ جوزا: حمله انتحاری به جان عبدالله عبدالله نامزد انتخابات ریاست جمهوری منجر به کشته شدن حد اقل ۶ نفر و زخمی شدن ۲۲ نفر گردید.

...

کردستان عراق

این روزها مسأله کردستان عراق، جدی تر از گذشته مطرح شده است. به خصوص کردستان عراق در دو دهه گذشته، از استقلال نسبی برخوردار بود و به این دلیل هم احزاب سیاسی کردستان عراق و هم مردم تا حدودی این مسأله را تجربه کرده اند.

تنش در روابط میان کردها و عرب ها در عراق سابقه طولانی دارد. بعد از جنگ جهانی اول و تشکیل عراق جدید، حکومت مرکزی توافق با کردها را نقض کرد و ارتش به کردستان حمله نمود، جمعیت بی شماری را کشتند، زخمی و زندانی کردند و بسیاری از روستاهای آن ها را نابود کردند. حکومت مرکزی در آن دوره، حتی علیه مردم کردستان از سلاح کیمیائی استفاده کرد. به این ترتیب، شکاف عمیقی بین مردم کرد و حکومت مرکزی ایجاد شد و تا سرنوشت حکومت بعث ادامه یافت.

در سال ۱۹۹۱، با حملات هوایی امریکا به عراق، منطقه پرواز ممنوع اعلام شد و عملاً احزاب کردستان قدرت را به دست گرفتند. با ورود نیروهای زمینی امریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، حکومت عراق به رهبری صدام حسین سقوط کرد و کردها در عین حالی که حکومت محلی خود را داشتند در تشکیل مرکزی نیز شرکت کردند و از آن تاریخ تاکنون این وضعیت ادامه دارد.

در قانون اساسی عراق، حقوق دولت محلی کردستان به رسمیت شناخته شده است اما عامل اجرائی ندارد. تاکنون نوری مالکی، نخست وزیر شیعه عراق با قلدری، از اجرای مواد آن در رابطه با کردستان، سر باز زده است.

مالکی، از فروش نفت اقلیم کردستان عراق ممانعت به عمل آورده و مدت هاست که از ارسال حقوق کارمندان اقلیم کردستان جلوگیری کرده است. در چنین موقعیتی، کردها حق دارند که در حد توان و ظرفیت خود از منابع طبیعی شان، به خصوص گاز و نفت استفاده کنند. در این جهت، روابط اقلیم کردستان با ترکیه گسترش یافته است. به نظر من، یک کردستان مستقل و یک فلسطین مستقل به تسریع روند صلح در خاورمیانه کمک شایانی خواهد کرد. به عبارت دیگر، اگر به معنای واقعی مردم این دو منطقه، به استقلال و آزادی نرسند بحث از صلح ماندگار در خاورمیانه جایی از ارباب نخواهد داشت.

در این میان، نباید محدود به این شد که دولت های غربی و منطقه ئی در رابطه با استقلال عراق چه موضعی دارند؟ یا در صورت استقلال کردستان چه موضعی خواهند گرفت؟ باید به آراء و عزم و اراده مردم کردستان متوسل شد نه سیاست های دولت های جهانی و منطقه ئی. زیرا مردم کردستان و در پیشاپیش همه کارگران و کمونیست ها، به خوبی می دانند که حکومت ها، تنها به منافع طبقاتی و اقتصادی و سیاسی و نظامی خود فکر می کنند نه به منافع مردم کرد و غیر کرد در منطقه و جهان.

به علاوه به نظرم این جدائی به نفع مردم کردستان ایران، سوریه و ترکیه هم است. چرا که حکومت های این سه کشور، یا مجبوراند حقوق و خواسته ها و مطالبات مردم کرد کشورهاشان را بپذیرند و دست از سرکوب و تبعیض آن ها بردارند و یا این که آن ها نیز راه کردستان عراق را در پیش خواهند گرفت.

اگر به تاریخ مراجعه کنیم به سادگی می بینیم که تاکنون حکومت های ایران، ترکیه، عراق و سوریه، طرح های هولناکی علیه مردم کرد به مرحله اجراء درآورده اند و هنوز هم می آورند. از این رو، در این کشورها کم تر خانواده کرد را می توان یافت که عزیزان خود را از دست نداده اند و یا تبعید و تهدید، سرکوب و زندان و تبعیض را تجربه نکرده اند.

به این ترتیب می توان گفت مردم فلسطین و مردم کرد در منطقه پر التهاب خاورمیانه، رنج دیده ترین و مبارز ترین و حق طلب ترین مردمانی هستند که حمایت از خواسته ها و مطالبات و مبارزات حق طلبانه و عادلانه آن ها، حمایت از انسانیت است.

اکنون که یک فرصت تاریخی در عراق به وجود آمده است باید استقلال این منطقه را به آرای عمومی مردم کرد گذاشت و به نتایج آن نیز احترام گذاشت. چرا که هم اکنون حکومت مرکزی عراق قدرت چندانی ندارد بنابراین، مردم کردستان باید از این شرایط در بهبود موقعیت خود و رسیدن به حق تعیین سرنوشت شان بهره گیرند. به خصوص شرایط کردستان عراق، از هر نظر تا حدودی برای تشکیل یک دولت مستقل آماده است. این استقلال به نفع مردم عراق از جمله نیروهای کارگری کمونیستی است. در چنین روندی سیاست ها و احساسات ناسیونالیستی جای خود را به مبارزه طبقاتی خواهد داد.

ایران

در حکومت اسلامی ایران، حتی اکثریت شهروندان کشور نگران تأمین نیازهای روزمره خود هستند. سرکوب و تهدید، شلاق و سنگسار، زندان و اعدام نیز در ایران، نفس گیر شده است. در چنین شرایطی، این حکومت، از موضع ارتجاعی و تروریستی و ماجراجویانه در امور داخلی سوریه و لبنان و فلسطین و عراق و افغانستان و...، نیز دخالت دارد.

برای نمونه نماینده قائمشهر، سوادکوه و جویبار در مجلس شورای اسلامی از عدم دریافت حقوق ۸۲ هزار پرسنل صنعت فولاد در ۳ ماه اخیر خبر داد. به گزارش خبرنگار ایلنا، «کمال علی‌پور خنکداری» در جلسه علنی ۲۹ سرطان ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی در جریان ادامه رسیدگی به طرح نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در اختطاری گفت: ۸۲ هزار نفر از کارکنان صنعت فولاد سه ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

او افزود: مردم از ما سؤال می کنند شما در خصوص احزاب بحث می کنید و ما سه ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم، ضمن این که در منطقه ما نیز ۸ هزار نفر حقوق دریافت نکرده اند. بنابراین، با تشدید بحران اقتصادی در ایران، سیاست سرکوب و ارباب حکومت نیز تشدید شده است.

پس از این که در رسانه های مختلف گزارش هایی در رابطه با حضور پاسدار قاسمی فرمانده سپاه قدس حکومت اسلامی در عراق و حدود ۲۰۰۰ نیروی این سپاه در بغداد و شهرهای شیعه نشین، منتشر شد رئیس شورای امنیت ملی حکومت اسلامی نیز به این کشور رفت.

به گزارش ایرنا، علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی ایران، با بیان این که ناامنی ها در شمال غرب عراق، موجب بروز مشکلات در تأمین سوخت و مواد غذایی مردم منطقه شده، گفت: «بر اساس درخواست دولت عراق و در چارچوب قراردادهای اقتصادی فی مابین سوخت و مواد غذایی مورد نیاز این کشور را تأمین خواهیم کرد.»

شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی ایران، روز شنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۳، در پایان سفر رسمی به عراق در مصاحبه با ایرنا، به تشریح جزئیات این سفر پرداخت و گفت: «رایزنی های انجام شده با مراجع عظام تقلید، مقامات دولتی و رهبران احزاب و گروه های سیاسی و مذهبی این کشور تأثیر تعیین کننده در ادراک مشترک نسبت به تهدیدات و ضرورت های سیاسی و امنیتی در سطح دوجانبه و منطقه ئی به دنبال داشت.

او از ناامنی های ایجاد شده در کشور عراق، طی ۱۰ سال گذشته به عنوان مشکل اصلی دولت برای پیگیری برنامه های اقتصادی و رفاهی پایدار نام برد و اظهار کرد: «اولین اولویت دولت و مردم عراق از میان بردن تهدیدات امنیتی به منظور ایجاد رونق اقتصادی و رفاه عمومی در این کشور است.»

او، در جریان سفر به عراق که امروز پایان یافت، با مراجع عظام تقلید از جمله آیت الله سیستانی، نخست وزیر، مشاور امنیت ملی، رئیس فراکسیون همبستگی ملی در پارلمان، رئیس حزب اسلامی، رئیس مجلس اعلای اسلامی و نیز گروهی از رهبران احزاب و جریان های سیاسی و مذهبی عراق دیدار و مذاکره کرد.

به این ترتیب، حکومت اسلامی هم چون سوریه در تحولات عراق نقش مستقیم تروریستی دارد و از گروه های تروریستی شیعه و در رأس همه دولت نوری مالکی در مقابل گروه های تروریستی سنی و غیره دفاع می کند. در واقع حکومت اسلامی، مستقیماً در بحران سوریه و عراق فرو رفته به طوری که بحران سیاست خارجی امروز به نقطه ای پرمخاطره رسیده است.

در چنین شرایطی، بحران و بی ثباتی سیاسی کشور و جنگ قدرت باندهای حاکمیت اکنون جامعه ۷۸ میلیونی را به جایی رسانده است که بحران های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، بحران خارجی نیز بیش از هر زمان دیگری مردم ایران را با مخاطراتی بزرگ روبه رو ساخته است.

اکنون خلاف گذشته که قطعهنامه های تحریم ایران به عنوان «ورق پاره های بی ارزش» به مسخره گرفته و ادعا می شد این تحریم ها هیچ تأثیری بر ایران ندارد، از زبان سران و مقامات حاکمیت به عنوان عوامل اصلی مشکلات اقتصادی معرفی می شود. امروز امریکا و اروپا بیش از هر زمان دیگری ایران را دچار انزوا کرده و راه را برای

اقدامات بعدی علیه کشور هموارتر ساخته اند. اکنون سران حکومت اسلامی، بیش از پیش بر سر دوراهی خطرناک عقب نشینی و تسلیم و یا ادامه ایستادگی قرار گرفته اند.

حکومت اسلامی هرچند با اجرای سیاست مشیت آهنین، راه انداختن فضای رعب و وحشت علنی و رسمی، سعی دارد خود را قدرتمند نشان دهد اما عملاً در موضع ضعف و بن بست قرار دارد و سازوکارهای پولیسی، امنیتی و اختناق را بر جامعه حاکم ساخته است، مطبوعات و وبلاگ نویس ها، روشنفکران، هنرمندان و فعالان جنبش های اجتماعی و در رأس همه فعالان جنبش کارگری را تهدید و زندانی می کند، اما این همه موجب رویگردانی و نفرت هرچه بیش تر از حاکمیت شده است.

جمع بندی

در کشمکش ها و صف بندی های جدید اقتصادی، سیاسی و امنیتی، تقریباً همه کشورهای منطقه خاورمیانه، درگیر هستند.

بی جهت نیست که در هفته های قتل و غارت داعش در شمال و شمال غرب عراق و بسیاری از مناطق سوریه، جو بایدن معاون رئیس جمهور امریکا، بار دیگر طرح اداره کشور عراق در قالب یک «کنفدراسیون» را مورد تأکید قرار داد. پیشروی سریع داعش در عراق، نتیجه سیاست های ارتجاعی و تروریسم دولتی و غیردولتی در عراق است که امریکا از سال های ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی شوروی با هدف برپایی «نظم نوین جهانی» به عراق حمله کرد و در سال ۲۰۰۳ نیز امریکا با متحدانش عراق را اشغال کردند. آن ها هم چنین دولت شیعه به نخست وزیری مالکی را به قدرت رساندند. یک گروه اسلامی تروریستی که در دامن حکومت اسلامی و سپاه پاسدارانش پرورش یافته است. هم اکنون سیاست های در پیش گرفته شده از سوی حکومت امریکا و متحدان غربی و منطقه ای، حکومت های ایران، ترکیه، عربستان، افغانستان، پاکستان، مصر، اسرائیل، فلسطین، سوریه، لبنان، تمامی با منافع سرمایه داری جهانی و در رأس همه امریکا و متحدان آن هم سوئی دارند.

جنگ داخلی خون بار اوکراین و حمله اسرائیل به غزه، رویدادهای جنوب شرق آسیا و نقش روزافزون و تنش زای گروه های تروریستی اسلامی و میلیتاریسم و...، جنگ های محدود و نزاع های دامنه دار قومی و مذهبی در افریقا، جنگ و جنایت در خاورمیانه به ویژه عراق و سوریه، همگی حلقه های به هم پیوسته زنجیره ای از اهداف و سیاست های حکومت ها و مداخله ها و تجاوزهایی اند که سیستم سرمایه داری در دهه دوم صده بیست و یکم، برای بازتقسیم مناطق و بازارهای جهانی و غلبه بر بحران حاد و طولانی سرمایه داری اتخاذ کرده است.

پیشروی سریع داعش در جنگ داخلی عراق و سوریه و حملات هوایی و زمینی و دریای اسرائیل به نوار غزه را باید در چارچوب طرح «خاورمیانه جدید» و تشکیل کشورها و دولت های کوچک و ضعیف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد تا این که به یک جمع بندی و نتیجه منطقی رسید. حکومت ها و گروه های متکی بر دین و اسلام و به طور کلی حکومت هایی که دین در آن ها دخالت می کند و دولت های به اصطلاح دموکرات غربی نیز از آن ها حمایت می کنند چه در قدرت و چه در اپوزیسیون نفرت انگیز اند. به عبارت دیگر، گروه ها و حکومت دینی در جهان معاصر در خدمت منافع و سیاست های اقتصادی و سیاسی و نظامی سیستم سرمایه داری هستند و زمینه ساز فاجعه های بزرگ تر برای مردم جهان به شمار می آیند. تکیه از پورتال است

تئوری پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama)، در سال ۱۹۸۹ مطرح و در سال ۱۹۹۲ در کتاب پایان تاریخ و آخرین انسان (The End of History and the Last Man) تشریح شد.

او در کتابش تحت عنوان پایان تاریخ و آخرین انسان، مدعی شده بود: «طی سال های اخیر در سراسر جهان یک اجماع درباره مشروعیت لیبرال دموکراسی به عنوان یک سیستم حکومتی به وجود آمده است. علت این امر آن است که لیبرال دموکراسی، ایدئولوژی های رقیب نظیر سلطنتی، فاشیسم و اخیراً کمونیسم را شکست داده است.»

نظریه فوکویاما، در راستای اهداف حاکمیت امریکا تدون شده است. چرا که غرب به رهبری حاکمیت امریکا، تحت عنوان برتری لیبرال دموکراسی بر دیگر حکومت های بشری، با مثنی نظامی گری درصدد تحمیل آن بر جهان بود و هنوز هم هست. حداقل می توان گفت این فرضیه، توجیه تئوریک لازم را برای اقدامات حاکمیت امریکا در جهان فراهم ساخته است.

فروپاشی شوروی، به همراه برخی از موفقیت های اقتصادی در دنیای غرب، نظریه پردازان امریکائی و مراکز فکر سازی (Think Tank) آن ها را به این غرور و موضع رساند که باور کنند، سرمایه داری لیبرال به پیروزی ابدی خود نایل آمده است. فوکویاما نیز سرمایه داری را آخرین مقصد در مسیر تحولات تاریخ اقتصادی بشر می داند. در حالی که هر قدر سیستم سرمایه داری جهانی رشد و گسترش پیدا می کند به همان نسبت نیز مخالفان طبقاتی خود را در بطن خود پرورش می دهد. از این رو، فروپاشی شوروی، ربطی به فروپاشی کمونیسم و پیروزی سرمایه داری لیبرال ندارد. همان طور فروپاشی امپراتوری ها در تاریخ، ربطی به فروپاشی سرمایه داری و غیره نداشت. اما سرمایه داری لیبرال، آن موقعیت و شرایط را به خصوص در زمینه اقتصاد جهانی برای حاکمیت های سرمایه داری فراهم کرده است که کره زمین را بر ساکنش ناامن تر و نفرت انگیزتر کنند.

در چنین شرایطی، رهائی از جنگ و تروریسم، ستم و استثمار مناسبات سرمایه داری و حکومت های سرمایه داری و گرایشات رنگارنگ آن مانند نئولیبرالیسم، ناسیونالیسم، فاشیسم و مذهب، در گرو تقویت و تشدید مبارزه طبقاتی و همبستگی کارگران و آزادی خواهان در سطح کشوری و جهانی است. بنابراین، در مقابل این همه وحشی گری سرمایه داری، تقویت آگاهانه و داوطلبانه هدفمند جنبش های حق طلب و برابری طلب و عدالت جو هم چون جنبش کارگری، زنان، دانشجویان و جوانان، روشنفکران و هنرمندان مترقی و مردم آزاده کشورهای مختلف جهان، بسیار حائز اهمیت است.

دوشنبه سی ام تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۳ - بیست و یکم جولای ۲۰۱۴